



Research article

The Workbook of Literary Texts in Iraqi Career
Vol. 1, Issue 1, Spring 2020, pp. 47-64

Analysis of the Functions of Body Language in the *Masnavi of Jamshid and Khorshid*

Mandana Alimi*

Assistant Professor in Department of Persian Language and Literature, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

Sara Javid Mozaffari

Instructor in Department of General Courses, Abadan University of Medical Sciences, Iran

Received: 02/04/2020

Accepted: 05/31/2020

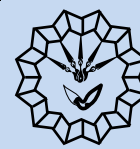
Abstract

Body language is a communication technique that humans use to express the different emotions and reasons. Body language is the interpreter of human states and thoughts that have a special place today for psychologists and sociologists because of their importance in conveying the meaning of interpersonal relationships, including; the art of using body movements, facial expressions, clothing, space, and time. It can be said that the value of the analysis of these non-verbal signs, which are part of several thousand years old, is more in cultural, social and even aesthetic texts. Undoubtedly, the *Masnavi of Jamshid and Khorshid*, whose Salman Savji has dedicated it to Sultan Owais in 763, it is a representative of Iranian culture, civilization and thought. Therefore, this article tends to answer the question of whether the use of one of the body's components in this work is always consistent and stable in a limited category or in the different contexts. The purpose of this article is to show the importance of non-verbal communication in *Jamshid and Khorshid*. In fact, these two areas of communication are two inseparable aspects of the transmission of meaning, concepts, and emotions.

Keywords: Analysis, Function, Body Language, *Masnavi*, *Jamshid and Khorshid*.

*. Corresponding author E-mail address:

Mandana_alimi@yahoo.com



فصلنامه کارنامه متون ادبی دوره عراقی
سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹ هـ ش، صص ۶۴-۴۷

تحلیل کارکردهای زبان بدن در مثنوی جمشید و خورشید

ماندانا علیمی*

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آژادشهر، آژادشهر، ایران

سارا جاوید مظفری

مربی دروس عمومی دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

چکیده

زبان بدن تکنیکی ارتباطی به شمار می‌رود که انسان‌ها از آن برای بیان احساسات و دلالت‌های مختلف بهره می‌گیرند. زبان بدن ترجمان حالات و اندیشه‌های آدمی است که امروزه برای روان‌شناسان و جامعه‌شناسان - به دلیل اهمیت آنها در انتقال معنا و تنظیم روابط بینافردی - جایگاه ویژه‌ای دارد که شامل هنر استفاده از حرکات بدن، آواها و حالت چهره، پوشش، مکان و زمان در جریان برقراری ارتباط با مخاطب است. می‌توان گفت ارزش تحلیل‌های این نشانه‌های غیرکلامی که بخشی قدمت چندین هزارساله دارد، در بازشناسی فرهنگی و اجتماعی و حتی زیباشناسی متون بیشتر است. بی‌گمان مثنوی جمشید و خورشید که سلمان ساوجی آن را در سال ۷۶۳ به نام سلطان اویس به پایان برده است، نماینده فرهنگ، تمدن و تفکر ایرانی است. از این رو، این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا کارکرد هر یک از اجزای بدن در این اثر، همواره به دلالتی ثابت و پایدار به یک مقوله محدود می‌شود یا در بافت‌های گوناگون متفاوت است؟ روش این مقاله براساس ماهیت و روش به شیوه (تحلیلی - توصیفی) محتوا است. هدف از این مقاله نیز نمایان ساختن خاصیت اهمیت و کارکرد ارتباطات غیرکلامی در مثنوی جمشید و خورشید است. در واقع این دو ساحت ارتباطی، دو وجه جدایی‌ناپذیر در انتقال معنا، مفاهیم و عواطف شخصیت‌ها به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل، کارکرد، زبان بدن، مثنوی، جمشید و خورشید.

۱. پیشگفتار

سلمان ساوجی از شاعران قرن هشتم است که بیش از نیمی از عمر خود را در دربار حاکمان مغول بغداد و آذربایجان سپری کرد و همه‌ی استعداد خود را، به مدت چهل سال، صرف مدح این خاندان نمود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۷۳۴). با وجود این، در اواخر عمر از چشم جلایریان افتاد و هر چه برای کسب موقعیت قبلی خود تلاش کرد، سود نبخشید. پس به ناچار، به زادگاه خود (ساوه) بازگشت. به نظر می‌رسد همین انزوا و خانه‌نشینی و ناینبایی که در اواخر عمر، گریانگیرش شد (هدایت، ۱۳۵۳: ۶۴۴)، در گرایش غیر رسمی او به تصوف بی‌اثر نبوده است. از میان اثرهای وی، این منظومه از یک سو به سبب زمان نگارش آن، که مصادف با اواخر عمر او در روزگار گوشه‌نشینی است و از سویی دیگر به دلیل اهمیت وی در منظومه‌سرایی ادب فارسی به ویژه در قرن هشتم، حائز اهمیت است. مسأله‌ای که بر اهمیت بازنگری در این منظومه می‌افزاید، در ابتدا انتقاد از نگاه نخبه‌گرایان به تاریخ ادبیات فارسی و توجه صرف به قله‌های ادبی است؛ نکته‌ای که به تعبیر برخی، از آفات تحقیقات تاریخ ادبیات‌نویسی و حتی تحقیقات ادبی ماست (ر.ک: زرقانی، ۶۸) در مرحله دوم، خطا یا تسامحی است که در پژوهش‌های ادبی در توصیف آن ذکر گردیده و غفلت از عمق و تدبری که در کشف و معرفی ژرف‌ساخت آن صورت گرفته است؛ چرا که غالب پژوهش‌گران به تحلیل یا تفسیر منظومه‌های مذکور پرداخته‌اند. برای مثال به همراه آثاری چون هشت بهشت، همای و همایون، یوسف و زلیخا و فرهاد و شیرین مشابه آن دانسته‌اند (میرهاشمی، ۱۳۹۰: ۹۱-۱۴).

۱-۱. بیان مسأله

ایجاد ارتباط، همواره یکی از دغدغه‌های بشر بوده است. این مفهوم به کلیه فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و حرکتی اطلاق می‌شود که توسط فرد، برای انتقال معنی به فردی دیگر یا به توده وسیعی از افراد به کار می‌رود. این انتقال پیام ممکن است فقط یک اطلاع‌رسانی ساده باشد یا اینکه هدف انتقال پیام، اثرگذاری یا نفوذ بر مخاطب باشد که در این صورت عامل ارتباطی را بر آن می‌دارد تا از این وسیله بسیار کارساز در جهت اقناع یا برانگیختن فرد یا توده وسیع مخاطبان استفاده کند (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۳).

نویسندگان برآنند که اثری ادبی چون منظومه جمشید و خورشید، یکی از آثار برجسته ایرانی است که نماینگر فرهنگ و تمدن ایرانی است و به سبب دربرداشتن نظام (اخلاقی - انسانی) قوم ایرانی، بیش از هر اثر ادبی کلاسیک می‌تواند به بازشناسی و رمزگشایی رفتار یا حرکات بدن در فرایند مناسبات فردی و اجتماعی قوم ایرانی کمک کند؛ به گونه‌ای که با درک مفاهیم نمادین «زبان بدن» به تصمیم‌گیری و ترجیح واکنشی خاص منجر شود. برای دستیابی به چنین هدفی، چاره‌ای جز مطالعه دقیق مثنوی جمشید و خورشید نداریم. شخصیت‌هایی که هر کدام از آنها به تعبیری، نمودار رفتار و فرهنگ ایرانی هستند. با توجه به اینکه رفتار غیر کلامی و زبان بدن در ادبیات، خصوصاً ادبیات داستانی، نمود فراوانی دارد و نیز بررسی و تحلیل این نشانه‌ها ما را در شناسایی فرهنگ، سبک آفریننده در شخصیت‌آفرینی، روابط میان فردی، موقعیت‌های روانی و کیفیت سبک زندگی و به تعبیری، نوع فرهنگ اجتماعی و قومی یاری می‌رساند.

«نظریه اشاره» که نخستین بار در قرن نوزدهم توسط ویلهلم ونت معرفی شد، بیان می‌دارد که ابتدایی‌ترین شیوه ارتباط انسان‌ها، اشارات و نشانه‌هایی است که با دست ایجاد می‌شود. چنین زبانی به طور ناخودآگاه و در مواردی همراه با

کلام به کار می‌رود؛ چنان که حتی امروزه هنگامی که کسی را به سوی خود فرا می‌خوانیم، افزون بر اینکه به طور لفظی کلمه‌ای را بر زبان می‌آوریم، با حرکت دست نیز آن کلمه را همراهی می‌کنیم و در شرایطی که زبان مخاطب خود را ندانیم، تنها به اشاره متوسل می‌شویم (پهلوان نژاد، ۱۳۸۶: ۱۵).

نویسندگان با استفاده از رویکرد زبان بدن در ایجاد روابط اجتماعی، تلاش می‌کنند تا با بررسی منظومه جمشید و خورشید، میزان کاربرد و تنوع حرکات اندامی را در اشعار سلمان ساوجی تبیین کنند. بدین گونه که از یک سو اقسام و تنوع کاربرد «گفتارهای بی‌صدا» را در این اثر به تصویر می‌کشد و از سوی دیگر، با استفاده از نشانه‌شناسی گفتمانی، کاربرد این مقوله را در بازیابی احساسات و طرز برخورد گوینده و مخاطب در بافت اشعارش بررسی می‌کند.

۱-۲. پیشینه تحقیق

محققان جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی به اهمیت «زبان بدن» در ایجاد روابط اجتماعی توجه داشته‌اند. به همین جهت در این زمینه، آثاری به زبان انگلیسی و فرانسوی مطابق فرهنگ‌های مختلف تألیف شده است. استوارت هال (۱۹۹۶) در نظریه جامعه‌شناختی خود به مدل رمزگذاری و رمزگشایی^۱ حرکات بدنی در ایجاد رابطه تأکید می‌کند. وی در این مدل، فرایند پویای ارتباطی را به فرایندی تبادلی تشبیه می‌کند که در چهارچوب پارامترهای تغییرپذیر و مشروط انجام می‌شود. بنابراین این مدل می‌تواند طیفی از موقعیت‌های بالقوه را به صورت اجمالی ارائه کند.

مرلوپنتی (۱۹۶۵)، فیلسوف پدیدارشناس فرانسوی، برای نخستین بار، بحث پدیدارشناسی بدن را مطرح می‌کند و در مطالعات فلسفی خود بر دیالکتیک مبتنی بر مفهوم بدن - شناسنده تأکید می‌ورزد. ژاک فونتنی (۲۰۱۱) کتابی با عنوان بدن و معنا دارد که مدار موضوعی آن پیرامون مباحث معناشناسی می‌گردد. نویسنده در این اثر، بدن انسان را در آفرینش معنا مؤثر می‌داند. ویولی (۲۰۰۴) کتابی با عنوان بدن، زبان و ذهن عرضه کرده است که در بخشی از آن به نقش فرهنگ و زندگی اجتماعی در استعاره‌سازی می‌پردازد و از بدن به عنوان ابزاری کاربردی برای استعاره‌سازی یاد می‌کند.

در ایران، تحقیق درباره زبان بدن بسیار انجام شده است. یکی از آنها مقاله «ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی» (پهلوان نژاد، ۱۳۸۶) است. در این مقاله نویسنده به بررسی ارتباط غیرکلامی و نقش حرکات بدنی در برقراری ارتباط در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی می‌پردازد. نگارنده در این مقاله به این نتیجه می‌رسد که حرکات بدنی نقش بسزایی در برقراری ارتباط دارند و حتی جنبه‌هایی از این حرکات می‌توانند نقش اساسی‌تر از مهارت‌های کلامی در برقراری ارتباط ایفاء کنند.

مقاله «تحلیل نشانه‌های ارتباط غیرکلامی در داستان دو دوست» (رضی، حاجتی) یکی از وجوه مشترک داستان‌ها، روایت کیفیت و کمیت میان شخصیت‌های داستانی است که به دو شکل کلامی و غیرکلامی آشکار می‌شود. این مقاله درصدد است تا با نگاهی بین‌رشته‌ای، این داستان را از منظر نشانه‌های ارتباط غیرکلامی از جمله: رفتارها، زمان، مکان و زیباشناسی تصویر بیان کند تا پیام‌هایی که نویسنده کوشیده است از طریق عناصر کلامی به خواننده منتقل کند، آشکار نماید.

همچنین می‌توان به مقاله «نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در آیات قرآن کریم» (محققان، پرچ ۱۳۹۴) اشاره کرد.

در این راستا پژوهش حاضر درصدد است متن قرآن کریم را از منظر نشانه‌های ارتباط غیر کلامی از جمله: رفتارها، زمان، مکان و... بررسی کند تا پیام‌هایی را که خداوند از طریق عناصر غیر کلامی به انسان منتقل نموده، رمزگشایی نماید. بر همین اساس بعد از معرفی انواع ارتباطات، با نگاهی میان رشته‌ای و با استفاده از نظریه‌های علوم ارتباطات، ارتباطات غیر کلامی باز یافته در متون قرآن کریم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در مقاله «مفاهیم و کارکردهای ارتباطات غیر کلامی در شاهنامه» (قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷) با واکاوی مفاهیم «زبان بدن» در گُش‌های غیر زبانی شخصیت‌های برجسته شاهنامه تلاش شده است مفاهیم پوشیده و پیچیده فرهنگی رمزگشایی شود. از نتایج تحقیق بر می‌آید که بازنمایی زبان بدن در شخصیت‌های شاهنامه، نه از روی اتفاق که کاملاً آگاهانه و به قصد جلب توجه مخاطب و بازاندیشی او در الگوهای رفتار فردی و اجتماعی اقوام ایرانی و غیر ایرانی به وجود آمده است و به بازشناسی هویت فرهنگ ایرانیان (بیشتر از رهگذر کنایه‌سازی و نماد) پرداخته شده است.

در مجموع می‌توان چنین گفت که مقالات ذکر شده با محوریت ارتباطات غیر کلامی به مفاهیم زبان بدن پرداخته‌اند که فقط یک مورد در شاهنامه به قصد بازشناسی فرهنگ اجتماعی یا رفتارشناسی فردی و اجتماعی مردم ایران نوشته شده است و آن هم از جهت ساختار کاملاً با این مقاله متفاوت است. در حقیقت مقاله حاضر با هدف رمزگشایی زبان بدن در شخصیت‌ها برای انتقال مفاهیم و احساسات، در تقاطع فرهنگ ملی و تقابل با فرهنگ غربی‌نویس شده است؛ اشعاری که حاصل کلام شاعرانه نیستند، بلکه از رهگذر نمایان کردن شخصیت‌های منظومه جمشید و خورشید نمایان می‌گردد.

۲. بنیان نظری پژوهش

گذشته از اهمیت نشانه‌های غیر کلامی در علوم اجتماعی و روان‌شناسی، بازتاب قابل توجهی از این عناصر در حوزه زبان‌شناسی دیده می‌شود که مطالعه آنها به بررسی نقش ارتباط غیر کلامی^۱ در جامعه‌شناسی زبان و دانش نشانه‌شناسی مربوط می‌شود. فردینان دوسوسور معتقد است که نشانه‌شناسی دارای همه وسایل به کار رفته در جامعه انسانی است که هدف آن ایجاد ارتباط است و عبارت زبانی و وسایل غیر زبانی از قبیل حرکات و اشاره‌ها را در بردارد (سوسور، ۱۳۸۷: ۳۶). «زبان بدن» روشی ارتباطی است که گام، ریتم، کلمه و دستور زبان خاص خود را داراست و اگر این کلمات ناساخته از حروف با دستور و قواعد خاص خود، به درستی ادا شود و به یکدیگر پیوندد، «عبارات غیر شفاهی» را تشکیل می‌دهند. این عبارت‌ها بعد از متصل شدن به یکدیگر، عبارات و جملاتی را خواهند ساخت تا پیام‌های ما را به دیگران منتقل کنند (ریچموند، ۱۳۸۷: ۸۱). به این ترتیب، گفتار بی صدا «در اغلب برخوردهای اجتماعی می‌تواند نقشی تعیین کننده داشته باشد و حتی موفقیت یا شکست افراد را رقم بزند» (لوئیس، ۱۳۸۰: ۹).

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد رفتارهای غیر کلامی در ایجاد روابط اجتماعی نقش مؤثری را ایفا می‌کند؛ مثلاً بیردوسیل^۲، از پیش‌تازان مطالعات غیر کلامی، از گذر شواهد تجربی ثابت کرده است که فقط ۳۵٪ از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵٪ باقیمانده، مرهون روابط غیر کلامی است (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۷۲). همچنین باربارا کورت در اهمیت به کارگیری زبان بدن تأکید می‌کند که «انحراف سر، تغییر ناگهانی چهره، نوع خنده، تَن صدا (بلندی و کوتاهی آن)، سرعت و آهنگ کلام در هنگام صحبت می‌تواند طیف وسیعی از احساسات را

1. NVC Non verbal communication

2. Bierdusil

به تصویر بکشد» (کورت، ۱۹۹۷: ۳۴).

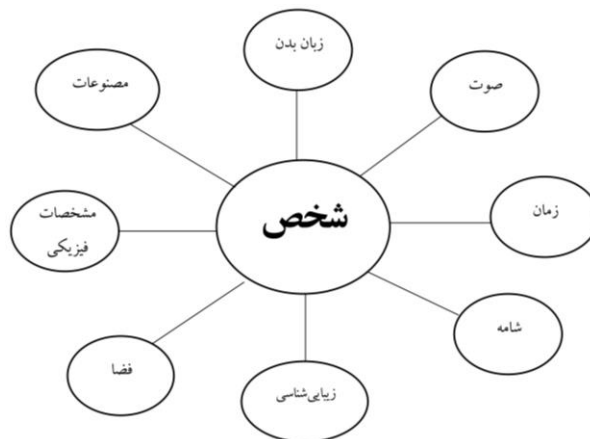
۱-۲. تعریف ارتباط

توسط بسیاری از صاحب نظران علوم ارتباطات، تعاریفی متعدد از ارتباط ارائه شده است. فراگرد تفهیم، تفاهم و تسهیم معنی (فرهنگی، ۱۳۸۷: ۴۲) ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال اطلاعات یا وسایل ارتباطی گوناگون از یک نقطه، یک شخص یا یک دستگاه به دیگری (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۴۳).

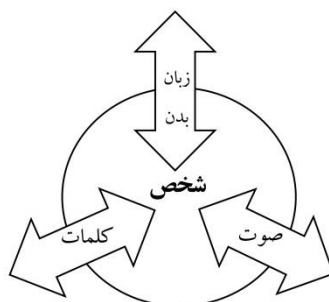
۲-۲. چگونگی ارتباط

گرچه از طریق علائم نوشتاری، موسیقی، دود، هنر و... پیامها منتقل می‌شوند، ولی ارتباطات بین فردی از دو طریق کلامی و غیر کلامی است.

همان گونه که مشاهده می‌شود، غیر از صوت (لحن، تُن، آهنگ و...) هفت کانال غیر کلامی دیگر نیز وجود دارد: زمان (موقعیت زمانی)، فضا (موقعیت مکانی، فاصله، حریم)، شامه (بوها)، زیبایی شناسی (موسیقی، رنگ و...) مشخصات فیزیکی (اندازه و شکل بدن و رنگ پوست و...)، مصنوعات (لباس، لوازم آرایشی، عینک‌ها، جواهرات و...) (اعرابی، ۱۳۷۸: ۱۲۷)



بدیهی است حالات مختلف بدن و چهره و... در محیط (لوازم، تجهیزات، موقعیت و...) بروز و ظهور می‌یابد. مثلاً چگونگی در دست گرفتن لیوان، استعمال دخانیات و... میزان فاصله (فضا، نزدیکی، کناره گیری) همراه با اشارات بدنی است. به علاوه انتخاب نوع آرایشی، رنگ‌ها (زیبایی شناسی) و برگزیدن تجهیزات و لوازم شخصی (مصنوعات)، استعمال عطرها (شامه)، با قرار گرفتن در محیط و زمان بروز حرکات و سکناات (زمان در شبانه روز در هفته در سال - سن)، زمینه تظاهر حرکات و اشارات است. بنابراین شکل کلی کانال‌های ارتباطی به صورت زیر مبنای ادامه بحث ما خواهد بود (همان: ۱۲۸).



۲-۳. فضاسازی (حریم و قلمرو)

یکی از رفتارهای معمول، فضاسازی است؛ فضایی که ترجیح می‌دهیم بین ما و دیگرانی که در موقعیت‌های کاری با آنها برخورد داریم وجود داشته باشد. دوستان، نسبت به افراد بیگانه، نزدیک‌تر به هم می‌ایستند و عموماً زنان وقتی با زنان مکالمه می‌کنند نسبت به زمانی که با مردان طرف صحبت هستند نیاز به فضای بین شخصی کمتر دارند. «کارکنان در مقامات پایین‌تر به احتمال زیاد در یک فضا قرار می‌گیرند و فضای کاری آن محدود است در حالی که مقامات بالاتر به احتمال قوی بین خود و ملاقات‌کنندگان، میزهایی بزرگ قرار می‌دهند و از صندلی‌هایی مشخص استفاده می‌کنند. شخصی که پشت مقدم‌ترین میز می‌نشیند به احتمال قوی، تأثیری بیشتر نسبت به سایر حاضران در جلسه دارد» (سیدجوادین، ۱۳۸۳: ۲۶۳-۲۶۴).

لازم به ذکر است که مشخصات فیزیکی (اندازه و شکل بدن و رنگ پوست و چهره و...) در مباحثی با عنوان ریخت‌شناسی یا مرفولوژی (اندازه و شکل بدن) و چهره‌شناسی مطرح بوده و در جای خود قابل تأمل است. اگر چه به عنوان بستر یا زمینه تظاهر حرکات و اشارات به حساب آید (بهراری، ۱۳۷۲: ۱۱).

۳. زبان بدن

بشر اولیه برای نیازهای خود از ایما و اشاره استفاده می‌کرد. جای بسی تعجب است که طی یک میلیون سال تکامل انسان، ارتباط روح و جسم، درون و برون، احساسات درونی و مکنونات و حرکات و اشارات بدن و حتی جنبه‌های صوتی ارتباط (لحن، آهنگ؛ تن؛ سرعت و...) مورد بی‌توجهی واقع شده، به طوری که جنبه‌های غیرکلامی ارتباطات nonverbal_communication (صوتی - زبان بدن) از دهه ۱۹۶۰ میلادی فعالانه مورد مطالعه قرار گرفته و عموم مردم زمانی متوجه آن شدند که fast Julius کتابی در مورد زبان حرکات در سال ۱۹۷۰ میلادی منتشر ساخت (زنگنه، ۱۳۷۸: ۱).

۳-۱. انواع حرکات و اشارات

حرکات و اشارات را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. نشانه‌ها: حرکات و اشارات قراردادی و مشهور.
۲. روشن‌گرها: حرکات و اشاراتی که جهت تأیید و بزرگ‌نمایی گفتار تولید می‌شود؛ خصوصاً توسط دست‌ها.
۳. تنظیم‌کننده‌ها: حرکات و اشاراتی که برای تعیین جایگاه (نویت، قدرت) یا تعدیل سرعت به کار می‌رود.
۴. منطبق‌کننده‌ها: حرکات و اشارات و سایر اعمالی را شامل می‌شود که برای نظارت بر احساسات یا کنترل واکنش‌های خود در مقابل دیگران به کار می‌رود.

همان‌گونه که مشاهده شد، پیام‌های غیرکلامی عبارت است از: حالات چهره، نگاه (باز شدن مردمک)، ژست‌ها و سایر حرکات بدنی، حالت بدن (طرز ایستادن، نشستن و...) تماس‌های بدنی، رفتار فضایی، لباس و سایر جنبه‌های ظاهری، آواگری غیرکلامی بو. هر یک از این موارد را می‌توان بر مبنای تعداد متغیرهایی بیشتر، به زیر بخش‌هایی تقسیم کرد (وود، ۱۳۷۹: ۱۸۹).

۴. زبان بدن در ادبیات منظوم

مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که برقراری ارتباط از طریق کلام ۷٪ از کل ارتباط است و ۹۳٪ غیرکلامی است که

۳۸٪ به صورت (لحن، آهنگ، تُن، سرعت و...) و ۵۵٪ به حرکات و اشارات زبان بدن اختصاص دارد. قرن‌ها قبل متفکران و اندیشمندان ایرانی نه تنها به این موضوع اشاراتی داشته‌اند، بلکه اعتقاد خود به زبان غیر کلامی (صوتی - زبان بدن) را بیان نموده‌اند؛ ولی متأسفانه در طول سالیان متمادی، این امر کاملاً مورد غفلت واقع شده است. اگر پس از سالیان دراز، یاد و نام و اشعار بعضی از شعرا زنده است، به علت اثر معنی و نفوذ آثار ایشان است که حکایت از عرفان، ذوق سرشار، تلاش بسیار و نکته سنجی و... دارد. گذشته از این، بسیاری از مطالب که به زبان شعر زیبا، جذاب و نافذ است، اگر به نثر نوشته یا گفته شود، جذابیت و نفوذ خود را از دست خواهد داد و شاید به همین دلیل بعضی از اشعار به صورت ضرب‌المثل درآمده است.

گر بگویم که مرا حال پریشانی نیست رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر
علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست

(سعدی، ۱۳۷۸: ۱۲۱)

چه بسا حکیمان پارسی‌گوی که نبوغ خود را در قالب اشعار به ثبت رسانده و دانش خود را به نسل‌های آینده منتقل کرده‌اند. از جمله این مطالب زبان غیر کلامی و به طور خاص زبان بدن است.

۵. زبان بدن در مثنوی جمشید و خورشید

آنچه از حالات، حرکات و اشارات در اشعار شاعران آمده است، پیام‌های خاص خود را دارد؛ ولی چه بسا خواننده آن را از عوارض ادبیات منظوم بداند اما سلمان ساوجی به زبان غیر کلامی پرداخته و خصوصاً به زبان بدن به عنوان بخشی مهم از ارتباط اعتقاد داشته و آن را در ابعاد گوناگونش تبیین نموده است. نگاه عارفانه و نظر اهل معنا که می‌تواند مکاشفاتی داشته باشد، منظور این بحث نیست و ما فقط از نگاه زبان بدن نظری به اشعار وی می‌پردازیم.

۵-۱. کاربرد حالت‌های چهره

چهره یکی دیگر از نشانه‌های غیر کلامی محسوب می‌شود. افراد با استفاده از حرکاتی چون ابرو بالا دادن، اخم کردن، لبخند زدن بدون آنکه صحبتی بکنند، ارتباط خود را با مخاطب ایجاد می‌کنند. «چهره اطلاعات فراوانی در خصوص حالات هیجانی افراد منتقل می‌کند؛ برخی از نظریه پردازان می‌گویند حالات چهره بعد از زبان، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی در تعاملات است. شاهد این مدعا، زمان و حجم کارهایی است که نویسندگان داستان‌ها و نمایشنامه‌نویسان به توصیف جزئیات چهره شخصیت‌های مورد نظر خود اختصاص داده‌اند» (هارجی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۳).

۵-۱-۱. خندیدن

خنده یکی دیگر از نشانه‌های ارتباط غیر کلامی است که می‌توان آن را یکی از عناصر مهم زبان بدن دانست. گاهی خنده فقط لبخند است که نشان از رضایت و گاهی خندیدن به صورت قهقهه است که نشان از شادی و خشنودی فرد است و همین‌طور گاهی نیشخند است که نشانی از تمسخر و استهزاء می‌باشد. «خندیدن از فرهنگی به فرهنگ دیگر معنی کاملاً متفاوتی دارد. چه کسی، برای چه، چقدر و چگونه بخندد و از این طریق چه چیزی نشان داده می‌شود، قسمتی از آموزش فرهنگی هر شخص درباره این عناصر ارتباطی به شمار می‌آید» (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۶۷). خندیدن در موقعیت‌های گوناگون می‌تواند معنای متفاوت القا کند. اولین معنایی که می‌شود دریافت کرد، می‌توان شیرین سخنی و کلام همراه با خنده و رضایت باشد. در این بیت، خورشید در هنگام مستی و رقص، سخنانی برای جمشید بیان می‌دارد.

به شیرین خنده گفت: ای خسرو چین گرفته کوه چون فرهاد مسکین

(سلمان ساوجی، ۱۳۸۹: ۱۰۵، بیت ۱۳۰۲)

و یا در جای دیگر، خورشید به جمشید می گوید با خنده شیرین و دلچسبت، مانند شمعی هستی که مجلس بزم ما را روشن می کنی و با آمدنت گریه و آه و ناله به سرمی آید.

بخند ای شمع و بزم ما برافروز که امشب برسر آمد گریه و سوز

(همان: ۱۰۵، بیت ۱۳۰۹)

در بیت ذیل منظور از صنم، همان خورشید زیبا و دلفریب است؛ در حالی که از شدت شوق، اشک می ریخت اما غزل خود را خندان می خواند و زیبایی او را دوچندان می نمود.

(مرجان: همان جانوران گیاهی شکل هستند و بر روی تخته سنگ ها در نقاط کم عمق می زیند)

صنم کرد از دو مرجان گوهرافشان همی خواند این غزل برخویش خندان

(همان: ۱۲۷، بیت ۱۶۹۸)

در این بیت هنگامی که جمشید مجلسی را به مناسبت ورود خورشید برپا می دارد و دلش می خواهد همه چیز به نحو احسن انجام گیرد و به مطربان و نوازندگان می گوید سخنان گرم همراه با امید و آرزو بیان دارید و لب های تان پرازخنده و مهربانی باشد و چهره هایی شاداب و پیروز برای چهره خوشبخت و اقبال چون خورشید سعادت مند داشته باشید؛ چرا که خنده به نوعی مهمان نوازی و مهربانی شما را بیان می کند.

دم گرم و لب پُر خنده دارید رخ فرخ، پی فرخنده دارید

(همان: ۱۴۵، بیت ۲۰۳۲)

۵-۱-۲. گریه

گریستن یا گریه کردن یکی از واکنش های رفتاری است. باید گفت که گریستن با اشک ریختن متفاوت است. اشک واکنش چشم به یک محرک شیمیایی مانند بوی پیاز یا گاز اشک آور است و مواد شیمیایی موجود در آن باعث اشک ریختن است. مثلاً، اشکی که با دیدن یک فیلم غم انگیز پدید می آید نسبت به اشکی که از بوی پیاز پدید می آید، متفاوت است. گریه وضعیتی احساسی است که اغلب در مواقعی که فرد غمگین است صورت می گیرد. گریه با جاری شدن اشک از چشمان و در بسیاری موارد با ناله و تغییر حالت، واکنش و نمود ایجاد می کند.

گریه علائم و نشانه های بسیار دارد؛ گاه نشان از هجران و دوری از یار است که از شدت دلتنگی اشک می ریزیم و گریه می کنیم. گریه در این بیت، نشان از اشک جمشید بر اثر خوابی که دیده و بخاطر خورشید منقلب شده و فقط او را می خواهد؛ البته اشک جمشید به مراوریدی ارزشمند مانند شده و به دل هرانسانی نفوذ می کند.

همی نالید و دُر اشک می سفت به زاری این غزل با خویش می گفت

(همان: ۵۵، بیت ۲۹۲)

یا در بیتی دیگر، هنگامی که پادشاه پسر خود را نصیحت می کند که در این سرزمین این همه زیار و وجود دارد؛ تو چرا فقط خورشید را مد نظر داری و از او دست بردار و هر زیارویی بخواهی برای تو بر می گرینم؛ اما جمشید آهی از ته دل برمی آورد و می گوید از سوز دوری محبوب، اشک های من روان است و این حال، دست من نیست.

ملک‌زاده ز دل آهـی برآورد ز سوز دل به چشم آب اندر آورد

(همان: ۶۱، بیت ۴۰۲)

هنگامی که پدر حال پریشان جمشید را دید و دانست که نصیحت‌های او در وی اثر ندارد و عزیز دلش را گریان و مغموم دید، همان لحظه از شدت ناراحتی به مانند موهای خود آشفته و غمگین شد.

چو نور چشم خود را دید گریان همان دم گشت چون زلفش پریشان

(همان: ۶۹، بیت ۵۵۹)

۵-۲. دیگر حالت‌های چهره

رنگ چهره می‌تواند بیانگر حالت‌های عاطفی گوناگون، مانند ترس، اضطراب، خشم، عصبانیت و... باشد. در این بیت، پادشاه وقتی حال زار ملک‌زاده را می‌بیند، بسیار خشمگین و دلش از غصه پر می‌شود و با ناراحتی و به آرامی می‌گوید برو از حال پسر خبری بیاور.

لبالب پُر ز خشم و غصه بنهفت به زیر لب سخن پرداز را گفت:

بروز از من پیرس آن نازنین را بدان لرزیده تاج و نگین را

(همان: ۶۸، بیت ۵۴۶ و ۵۴۷)

و یا در بیت دیگر که سخن از اضطراب و تشویش جمشید از عشق به خورشید است این گونه در شعر نمایان است:

صورتی در پیش دارم خوب و می‌دانم کنون صورت جمعیت حال پریشان من است

(همان: ۶۷، بیت ۵۱۴)

۵-۲-۱. نگاه کردن

خیلی از روان‌شناسان معتقدند که نگاه‌ها می‌توانند انرژی‌های یکدیگر را جذب کند؛ به طوری که خیلی از انسان‌ها با نگاه کردن به یکدیگر، گاه منزجر و گاه عاشق یکدیگر می‌شوند. نگاه انسان‌ها از جهت ارتباط، انواع متفاوتی دارد: نگاه مادر به فرزند، نگاه عاشق به معشوق، نگاه به طبیعت حاکی از سپاس‌گزاری و...

اولین ارتباطی که بین دو نفر برقرار می‌شود، نگاه کردن است. از این رو چشم و نگاه به انسان‌ها در ایجاد روابط اجتماعی به خصوص در زبان بدن وسیله‌ای قدرتمند محسوب می‌شود. چشم‌ها در پیوستگی با چهره آدم‌ها حوزه‌ای وسیع از پیام‌ها را منتقل می‌کنند. افرادی که در روابط اجتماعی خود، نگاه زیبایی به همه دارند، می‌توانند در انجام امور موفق‌تر از دیگران باشند. در حقیقت نگاه کردن به هر چیزی می‌تواند منشأ عشق، نفرت، ترس، دشمنی، کینه یا رنجش را نشان دهد. در حقیقت چشم‌ها بیانگر واقعیات درون هر انسان هستند (صلیبی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

یکی از انواع نگاه‌ها، نگاه دزدکی به معشوق است؛ به نحوی که بتوانی او را بینی و لذت ببری بدون آنکه او متوجه نگاه عاشق گردد. در این بیت هنگامی که جمشید به خانه معشوق زیبای خود، خورشید رفت، از شکافی، چهره زیبای معشوق خود، خورشید را دید.

چو مه در منزلی بنشست جمشید که می‌دید از شکافی عکس خورشید

(سلمان ساوجی، ۱۳۸۹: ۱۱۷، بیت ۱۵۱۲)

و یا در این بیت، نگاه عاشق به معشوق خود که در او جز زیبایی، چیزی نمی‌بیند. هنگامی که عاشق واله و شیدای

معشوق است، این گونه می گوید: می شود یک بار معشوقم از دید من به خود نگاه کند تا بداند که چقدر از منظر من قابل ستایش و دلنشین است.

می شود بر من زمن آشفته تر کاو یک نظر منظر خود را به چشم من تماشا کند

(همان: ۱۱۸، بیت ۱۵۲۳)

و یا در این بیت که معشوق نگاه بسیار زیبایی به عاشق خود دارد و او را در هر حالتی ستایش می کند و برایش زیبا و جذاب به نظر می رسد؛ حتی اگر بر اثر باده نوشی من را نبینی و در او هام و خیالات خود سپری کنی.

به چشم خویش می بینم که هستی که باشد در سرت سودای مستی

(همان: ۱۳۰، ۱۷۴۵)

۵-۳. لمس و تماس بدنی

یکی از راه های ارتباط و نشانه های غیر کلامی، لمس کردن افراد و تماس بدنی است؛ به طوری که انسان ها از این طریق، عواطف و احساسات خود را بروز می دهند و سعی می کنند ارتباط عاطفی برقرار نمایند. «تماس بدنی با توجه به عوامل مختلف زمینه ای، مانند (لمس کننده دوست و غریبه)، ماهیت تماس جسمی (کوتاه، طولانی، آهسته یا سخت) و محیط تماس (محل کار، خیابان، خانه، ...) می تواند نشانه عاطفه، تسلط، توجه، جاذبه جنسی، مراقبت و پر خاشگری باشد. با وجود چنین پیچیدگی هایی، شواهد موجود نشان می دهند که هر وقت لمس پذیرفتنی تر قلمداد شود، اغلب به واکنش مثبت می انجامد» (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۶) لمس کردن افراد را می توان به چند طریق قسمت بندی نمود.

۵-۳-۱. تهاجمی - تجاوزی

در هربخشی از منظومه جمشید و خورشید نشانی از تهاجمی - تجاوزی وجود دارد؛ به طور مثال می توان به قسمتی از داستان جمشید و خورشید، هنگامی که جمشید در مجلس رقص و آواز به خواب می رود و در عالم مستی از خود بی خود می شود، اشاره کرد:

عنان اختیار از دست رفته کمان بشکسته تیر از شست رفت

(سلمان ساوجی، ۱۳۸۹: ۱۰۶، بیت ۱۳۱۹)

و یا در بیت دیگر هنگامی که خورشید، شکر کنیزک خود را به دنبال جمشید می فرستد تا جمشید را به بارگاه خود فراخواند و از او پذیرایی ویژه انجام گیرد به طوری که خورشید معتقد است باید جام باده را بیاوریم و جمشید را سرمست کنیم تا او از این خماری و ناراحتی به در آید.

بدین گلزار باید داد بارش به جام باده بشکستن خمارش

(همان: ۱۱۶، بیت ۱۴۸۱)

و یا هنگامی که جمشید از فراق معشوق خود بی قرار شده بود، چنگ زیبای خود را شکست و جز ناله و غم دوری از یار چیزی نداشت.

ز به یاری شکسته چنگ را پشت بمانده نای و نی را باد در مُشت

(همان: ۱۳۱، بیت ۱۷۷۱)

۵-۳-۲. دوستانه - صمیمی

یکی از نشانه های ارتباط کلامی، رابطه دوستانه و صمیمی است که نشان از ارتباط میان انسان ها و رابطه قلبی آنهاست.

از نشانه‌های آن نیز می‌توان به دعای خیر کردن و نگاه مهربانی و خلوص داشتن اشاره کرد. در قسمتی از داستان جمشید و خورشید، هنگامی که جمشید با غلامان و همراهان خود به چین می‌رسد و پادشاه چین نیز هیبت و شکوه پادشاه جمشید را می‌بیند، از او صمیمانه استقبال می‌کند و این گونه می‌گوید:

به زیر لب دعایش گفت صد راه رخس در پای می‌مالید کای شاه

(همان: ۵۶، بیت ۳۱۷)

همیشه روز و شب پیروزی‌ات باد سرت سبز و رُخت سرخ و دلت شاد
جهان در سایه عدل تو ایمن قلم ز آمد شد تیغ تو ساکن

(همان: ۹۰، بیت ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳)

و یا در این بیت که پادشاه چین ملک جمشید را به نزدیک خود به رسم صمیمیت فرا می‌خواند و به او احترام بسیار می‌گذارد و در کنار خود جایی برای او در نظر می‌گیرد.

ملک جمشید را نزدیک خود خواند چو سَروش، سربلندی داد و بشاند

(همان: ۹۰، بیت ۱۰۰۵)

و یا در این بیت، هنگامی که ملک جمشید احترام ویژه پادشاه چین را می‌بیند، او هم به رسم احترام و صمیمیت پس از حمد و سپاس فراوان، روی او را می‌بوسد و لب بر لب و سرش را به نشان احترام به پایش می‌مالد.

پس از حمد و ثنا رویش بیوسید لبش بر لب سرش در پای مالید

(همان: ۹۳، بیت ۱۰۶۵)

۵-۳-۳. اجتماعی - مؤدبانه

برای نشان دادن شخصیتی باوقار و احترام برانگیز از خود و جلب توجه و احترام به دیگران، باید حرکات و رفتارهای مناسبی داشته باشیم؛ رفتارهایی که اگرچه بیشتر آنها را در آمد و رفت‌های اجتماعی آموخته ایم. رعایت برخی آداب اجتماعی به شما کمک خواهد کرد تا شأن و منزلت اجتماعی‌تان ارتقاء یابد و از یک فرد عامی به یک انسان متشخص و با کمالات تبدیل شوید.

در قسمتی از داستان جمشید و خورشید، دانایان، به زمان اقامت پادشاه در چین اشاره می‌کنند؛ به این گونه که چگونه برای او احترام قائل بودند و همه چیز بر طبق میل او انجام می‌شد و تمام پادشاهان به پابوسی و ادای احترام می‌آمدند.

زمانه تابع حکم روانش سلاطین خاک بوس آستانش

(همان: ۵۱، بیت ۲۱۶)

و یا در جایی دیگر هنگامی که مهرباب متوجه کینه پادشاه شد، برای پوزش و عذرخواهی سرش را بر خاک زد و شروع به عذرخواهی کرد تا شاید مورد عفو و بخشش پادشاه قرار گیرد.

چو مهرباب آتش کین ملک دید به پیش او به سر در خاک غلطید

(همان: ۶۷، بیت ۵۳۰)

در قسمت دیگر این مثنوی، هنگامی که پادشاه با غلامان خود همراه است، بزرگان چین برای ادای احترام و بزرگداشت وی، به پای او افتادند و دست و پای او را بوسیدند و بسیار برای او زر و گوهر نثار کردند تا مورد قبول شاه

قرار گیرد.

سراسر دست و پایش بوسه دادند سران چین به پایش درفتادند
نثارش را زر و گوهر فشاندند به خسرو جان شیرین برفشاندند

(همان: ۸۸، بیت ۹۶۳ و ۹۶۴)

در بیت زیر نیز نشانه‌هایی از ادای احترام پادشاه چین به پادشاه جمشید یافت می‌شود که او را مانند یک طاووس به خلعت‌ها و هدایای ارزشمند به رسم هیبت و شکوه آن پادشاه آراسته می‌نماید.

زمین بوسید و قیصر عذرها خواست چو طاووسش به خلعت‌ها بیاراست

(همان: ۹۰، بیت ۱۰۱۳)

۵-۴. عاشقانه - صمیمی

هنگامی که پادشاه جمشید، مجلس بزمی آراسته بود و شروع به باده‌نوشی کرد، بر اثر جام‌های پی در پی شراب، خواب بر او مستولی شد و نتوانست بیدار بماند؛ شکر، کنیزک پادشاه از این فرصت استفاده نمود و شاه را چون گل در آغوش کشید و غلامان نیز آنها را همراهی کردند.

شکر چون گل در آوردش به آغوش غلامانش برون بردند بر دوش

(همان: ۱۰۶، بیت ۱۳۲۵)

و یا هنگامی که پادشاه در کنار خورشید قرار می‌گیرد، به خاطر موهای بلند و زیبای خورشید در تنگنا قرار می‌گیرد و بخاطر مستی بسیار، موهای وی را چنگ می‌زند و خورشید نیز به دنبال این حرکت پادشاه در عذاب قرار می‌گیرد و تمامی این‌ها به خاطر رسیدن به وصال خورشید بود؛ خورشید زیبارو و جمشید در کنار هم قرار می‌گیرند و لباس‌های خورشید تماماً بر تنش پاره می‌شود.

ملک آشفته بود از دست زلفش ز مستی دست زد در شست زلفش
شد از دست ملک خورشید در تاب بگردانید از او گلبزرگ سیراب
سمن بوی و صبا جم را کشیدند سراسر جامه‌اش برتن دریدند

(همان: ۱۲۲، بیت ۱۵۹۶-۱۵۹۸)

۵-۴. حس بویایی

حس بویایی یکی از حواس پنجگانه است. (چهار حس دیگر عبارتند از: چشایی، بـِساوایی، بینایی، شنوایی) بویایی امکان تشخیص بوهای مختلف را فراهم می‌کند. با توجه به نزدیکی این حس با حس چشایی، در صورت اختلال در حس بویایی (مثل زمان سرماخوردگی) توانایی درک مزه نیز تضعیف می‌شود.

حس بویایی یکی دیگر از انواع انتقال پیام در زبان بدن است؛ به طوری که در داستان جمشید و خورشید، پادشاه به سرزمین روم می‌رود و معتقد است حتی گرد و غباری که از کوی معشوق بیاید، در چشم عاشقان و دلدادگان، بوی خوش عنبر است.

غباری کز در معشوق آید به چشم عاشقان عنبر نماید

(همان: ۷۱، بیت ۶۱۱)

در بیت دیگر، هنگامی که جمشید خود را برای دیدار خورشید آماده می‌کند، در مجلسی که از پیش برای خورشید آماده کرده است بوهای خوش از جمله عبیر، عنبر و لادن می‌پراکنند تا هوش از مدهوشان برباید.

بگو تا ناف‌ها را بر گشایند عیبر و عنبر و لادن بسایند

(همان: ۷۳، بیت ۶۴۱)

در این بیت نیز هنگامی که پادشاه جمشید در به در به دنبال خورشید می‌گردد، با خود فکر می‌کند تا بویی از آن معشوق زیبا پیدا کند تا اجازه راه یافتن به بارگاه او را بدهند.

مگر بویی از آن گلزار یابی درون پُردۀ او بار یابی

(همان: ۹۱، بیت ۱۰۲۲)

۵-۵. کارکردهای زبان اشیاء

زبان اشیاء در حقیقت نظام نشانه‌ای زبانی و فراتر از گفتار کلامی است و می‌توان ادعا کرد اشیاء و صحنه‌آرایی از تحقق مادی، به نحوی، دیداری و تجسمی نظام نشانه‌ای زبانی است. بر این اساس می‌توان گفت اشیاء کارکردهای آرایه‌ای و تزینی دارند که به نشانه‌هایی تبدیل می‌شوند که هر کدام در ارتباط با شخصیت‌ها بر چیزی دلالت می‌کنند.

زبان اشیاء به معنایی که به اشیاء پیرامونمان نسبت می‌دهیم اشاره دارد. لباس‌هایی که می‌پوشیم، جواهراتی که استفاده می‌کنیم، اشیاء زینتی و آرایش مویمان، همه بخشی از زبان اشیاء هستند. آنها با ما سخن می‌گویند؛ زیرا ما آنها را با اراده خود انتخاب کرده‌ایم؛ لباس و جواهرات گویاتر هستند (مایرز، ۱۳۸۳: ۳۰۵).

۵-۵-۱. لباس

اشیاء گاه می‌توانند در کارکردهای غیرزبانی مؤثر باشند؛ به طوری که ما زمانی از لباس‌هایی به رنگ شاد استفاده می‌کنیم که دیگران ما را انسان‌هایی با نشاط و خون‌گرم در نظر گیرند و یا استفاده ما از لباس‌های تیره‌رنگ نمایان‌گر غم و ناراحتی و نشان از بی‌حوصله‌گی ماست و همچنین زمانی که ما زیورآلات به سر و گردن خود می‌اندازیم، نشان‌گر خوش‌ذوقی و اهمیت دادن به خود است. قیافه ظاهری انسان و نوع لباس پوشیدن می‌تواند اطلاعاتی به دیگران منتقل کند. مطالعات گویینز نشان می‌دهد که افراد بر پایه لباس‌هایی که می‌پوشند درباره یکدیگر داوری می‌کنند (همان: ۳۰۴). پادشاه جمشید به خاطر آنکه بهتر بتواند در دل چینیان نفوذ کند و برای او احترام و عزت بیشتری قائل شوند، کلاهی از چینیان بر سر می‌گذارد و لباسی فاخر از تاجران بر تن می‌کند.

کلاه چینیان بنهاد بر سر قبا‌ی تاجران آورده در بر

(سلمان ساوجی، ۱۳۸۹: بیت ۸۹ و ۹۸۳)

و یا در بیت دیگر، هنگامی که خورشید در عالم مستی سپری می‌کرد و کنیزک آوازه‌خوان چنگ خود را شروع به نواختن کرد، خورشید لباس خود را پاره کرد و خرقة خود را از تن پینداخت.

چو شهنواز این غزل در چنگ بنواخت صنم زد جامه چاک و خرقة انداخت

(همان: ۱۰۵، بیت ۱۲۹۳)

۵-۵-۲. هدایا و دارایی‌ها

هدایا بهترین وسیله ارتباطی میان انسان‌هاست؛ به طوری که هدیه می‌تواند یکی از راه‌های انتقال محبت و دوستی باشد.

همچنین می‌تواند نشان‌دهنده میزان قدرت، ثروت، شخصیت، موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد قلمداد شود. از این رو، گوهرهای گران‌قیمت و اشیاء ارزشمند که پادشاهان به رسم احترام و قدردانی به صاحب‌منصبان و بزرگان می‌بخشیدند، باعث می‌شد هم قدرت خلعت‌دهندگان و هم قدرت خلعت‌گیرندگان که نشانی از رضایت، تعظیم، اطمینان، رشوه، فریب و... است، به نمایش گذاشته شود. زمانی که پادشاه جمشید به سرزمین چین راه می‌یابد، برای پادشاه چین به رسم احترام و نشان دادن قدرت پادشاهی، لباس‌هایی گران‌بها و زیبا و از بوهای خوش چون مُشک و عنبر و یاقوت و پارچه‌های ابریشمین برای پیشکش با خود همراه دارد.

متاعی چند با خود داشت زیبا ز مُشک و عنبر و یاقوت و دیبا

(سلمان ساوجی، ۱۳۸۹: ۹۰، بیت ۹۹۸)

و یا در جایی دیگر از هدایای پادشاه جمشید این گونه روایت می‌کند:

بسی آورده چون باد بهاری حریر چینی و مُشک تناری

(همان: ۹۳، بیت ۱۰۵۷)

۵-۶. پیرازبان

آن جنبه‌هایی از رفتار کلامی، مانند مکث و تغییر لحن، علی‌رغم معنی‌دار بودن در نظام زبان قرار نمی‌گیرند. عناصر پیرازبانی مواردی هستند که می‌توانند به انتقال مؤثر معنا و برقراری بهتر ارتباط کمک کنند. به عبارت دیگر، زبان یعنی آنچه می‌گوییم و پیرازبان یعنی نحوه بیان آنچه می‌تواند مفهوم و معنا را تغییر دهد. پیرازبان‌ها اطلاعات هیجانی را نیز به شنونده منتقل می‌کنند. ابزارهای پیرازبانی شامل ریتم گفتارها، تأکیدها، سرعت گفتار، زیری، بمی و بلندی صدا می‌باشد. در واقع «پیرازبان عبارت است از ارتباط صوتی بدون استفاده از کلمات؛ پیرازبان شامل اصواتی چون زمزمه‌ها و نفس نفس زدن و ویژگی‌های این اصوات است؛ مثل بلندی، ضرب آهنگ، زیر و بم و آهنگ، پیرازبان شامل نحوه تلفظ کلمات، لحن و درجه پیچیدگی جملات نیز می‌باشد» (وود، ۱۳۷۹: ۳۳۰). به بیان دیگر، پیرازبان مواردی چون لحن، ضریب سخن‌گویی، میزان بلندی و شدت صدا، مکث و سکوت را در برمی‌گیرد. «اهمیت رفتار آوایی به عنوان یک نوع ارتباط غیر کلامی به سبب تأثیری است که بر روی ادراک حاصل از محتوای کلامی پیام‌های ما دارد. نشانه‌های آوایی، پیام‌های زیادی را درباره پیشینه، جنسیت، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، محیط، شخصیت و هیجان در اختیار دیگران می‌گذارد» (ریچمنود و مک کروسی، ۱۳۸۸: ۲۳۵).

۵-۶-۱. لحن

لحن کلام بیان‌کننده احساس گوینده می‌باشد که با ابراز سخن خود را نشان می‌دهد. این تعریف یعنی اینکه وقتی کسی صحبتی می‌کند یا سخنی می‌گوید، می‌توان نوع احساس موجود در کلام او را از طریق لحن کلام او متوجه شد. به همین دلیل لحن کلام، یک وزن اساسی از بیان را به خود اختصاص داده که اگر علم و دانش کافی نسبت به آن نداشته باشیم، به خوبی نمی‌توانیم منظور و مفهوم خود را به طرف مقابل یا جمع برسانیم. متأسفانه افراد زیادی هستند که در نوع ایجاد لحن به هنگام سخن گفتن دچار ایراد و اشتباه می‌شوند؛ یعنی اگر جمله‌ای خوشحال‌کننده را ابراز می‌کنند، خالی از حس لازمه است و این نوع لحن ضعیف عمل کرده و ادا نکردن این گونه جمله بهتر از ادا کردن آن است. به بیان دیگر لحن کلام را نمی‌توان به راحتی دست کم گرفت؛ چون تشکیل‌دهنده یک بیان با صلابت است.

«اینکه چه کسی، به لحاظ موقعیت فکری و روانی و مادی (مالی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...) روایت می کند و چه چیزی را می گوید، در انتخاب لحن مؤثر است» (بی نیاز، ۱۳۸۷: ۲۸۵).

لحن یکی از عناصر داستان است. لحن، فضا سازی در کلام است و نوع رفتار نویسنده با موضوع یا خواننده را نشان می دهد. لحن می تواند شاد، غمگین، جدی، طنز آمیز، احساساتی و تمسخر آلود باشد. همچنین ممکن است آرام، عصبی، رسمی، صمیمانه، عامیانه، مغرورانه و نومیدانه بازتاب یابد. ساختار واژگان جمله ها و نمادها و نشانه ها، کیفیت معنایی و موسیقایی کلام و دیگر ویژگی های سبکی یک اثر سبب ایجاد لحن می شوند (روزبه، ۱۳۸۱: ۳۷).

خشم یکی دیگر از انواع لحن کلام است که نشان از عصبانیت و خشم درون فرد دارد. هنگامی که جمشید راز دل خود را به مادر گوید و درحالی که اشک می ریزد از او خواهش می کند تا شاید مادر بتواند پدر را برای رفتن به سرزمین خورشید راضی نماید.

به سوی مادر آمد رفته درخشم روان بر برگ گل بارانش از چشم

(سلمان ساوجی، ۱۳۸۹، ۶۹: ۵۵۸)

هنگامی که پدر جمشید از راز پسر آگاه شد، بسیار غمگین و خشمگین شد و زیر لب به سخن پرداز گفت: از چگونگی نازنین پرس. چه کسی باعث شده تاج و تخت ما به لرزش درآید.

لبالب پُر ز خشم و غصه بنهفت به زیر لب سخن پرداز را گفت:

برو از من پرس آن نازنین را بدان لرزیده تاج و نگین را

(همان: ۶۸، بیت ۵۴۶ و ۵۴۷)

۵-۷. ضریب سخن گویی

به تعداد کلماتی که هر کس در یک زمان معین در گفتگوها و سخنوری به کار می گیرد، ضریب سخن گویی می گویند. ضریب سخن گویی به میزان فراوانی برای هر انسانی ثابت است و کمتر دستخوش تغییر می شود؛ مگر اینکه اتفاق خاصی برای او رخ داده باشد. به همین دلیل، ضریب سریع تر همانند ضریب کندتر و مکث های بیشتر در سخن گویی به نظر می رسد که به ترس یا غضب یا غم و اندوه و افسردگی بستگی دارد. همچنین ضریب سریع به هنگام ترس و خشم و ضریب کند به هنگام غم و اندوه و افسردگی خود را نشان می دهند.

هنگامی که جمشید با غلامان خود به بارگاه پادشاه چین می رسد، پادشاه به سخنان آنها گوش فرامی دهد و نمی داند او چه کسی است و فکر می کند تاجر است. به پادشاه جمشید می گوید:

غریب و خسته ای و ره گذاری رفیقی نیست، جایی نداری

(همان: ۸۸، بیت ۹۵۷)

و در جای دیگر شاهد ضریب سخن در ابیات مثنوی جمشید و خورشید هستیم. هنگامی که پادشاه به بارگاه چین می رسد، کنیزکی را می فرستد تا ببیند چه هدایایی آورده اند؛ ولی سخن پرداز می گوید تا سرور و آقای من نباشد نمی توانم کالای خودم را به شما عرضه کنم.

سخن پرداز چین گفت: ای خداوند نشاید عرض کالا بی خداوند

(همان: ۹۴، بیت ۱۰۹۰)

۵-۸. میزان بلندی صدا

یکی دیگر از وسایل ارتباطات غیرکلامی مؤثر، صدای بلند یا فریاد است. صداهای بلندی که باعث ناراحتی اطرافیان می‌گردد سر و صدا می‌نامند. این سر و صداها نشان از شکایت و اعتراض دارد. هنگامی که پادشاه از حال پسر آگاهی یافت، متوجه شد جمشید گوشه‌گیر و غمگین است و ترجیح می‌دهد هیچ کس را نبیند؛ به طوری که ندیمانش به داد آمدند.

چو اندر پرده راه کس نمی‌داد ندیمانش بر آوردند فریاد

(همان: ۵۹، بیت ۳۷۶)

هنگامی که جمشید به خاطر خورشید نزدیک بود در دریا غرق شود و در بیابان سرگردان شد و در تنهایی خود کسی را برای کمک نیافت، فریاد زد:

فریاد همی‌دارم و فریاد رسی نیست پندار در این گنبد فیروزه کسی نیست

(همان: ۸۵، بیت ۸۹۵)

نتیجه

با بررسی جنبه‌های ارتباطی در این پژوهش مشخص می‌شود که سلمان ساوجی در آفرینش شاهکار خود به شکل‌های گوناگون زبان بدن توجه داشته است. با استفاده از ظرفیت‌های کنش‌های غیرکلامی زبان بدن از حرکات بیرونی انسان مانند خندیدن، گریستن و... به انتقال معنا و ترسیم فضای عاطفی کلام پرداخته است. رویکرد گسترده او به تصویرسازی از حرکات و نشانه‌های رفتاری می‌تواند به اهداف و نتایجی چند منجر شود. ابتدا جلب توجه مخاطب و ایجاد زمینه‌های بازاندیشی در کنش زبان بدن در مثنوی جمشید و خورشید؛ دوم بهره‌گیری از معانی و مفاهیم کنش‌های غیرکلامی برای ارائه مسائل فرهنگی و اجتماعی ایرانیان؛ سوم ملموس‌سازی و واقع‌نمایی بیشتر شخصیت‌ها و ترسیم کیفیت زبان بدن در انتقال فضای عاطفی؛ چهارم تقویت وجوه زیباشناختی در قالب نمادهای رفتارمحور می‌باشد. لازم به ذکر است با تحلیل داده‌ها در این پژوهش درمی‌یابیم که تماس‌های بدنی شامل لمس عاشقانه، صمیمی، تهاجمی، مؤدبانه و اجتماعی ۴۵٪ اشاره شده است و گریه کردن ۳۲٪، خندیدن ۱۶٪، نگاه کردن ۱۷٪، لباس ۱۰٪، هدایا و دارایی ۱۴٪، پیرازبان ۱۱٪ و بویایی ۶٪ است.

بر اساس آمار دقیق به دست آمده، این نوع خاص از ارتباط و پیوند دادن آن با کلام، امکان انتقال معنا در فضای نمایشی را بیشتر می‌کند و می‌توان گفت حالات گوناگون بدن در آفرینش آن نقش بسزایی دارند. ساوجی با توجه به این موضوع، کارایی جمله‌های خود را دوچندان کرده است. توصیف حالت‌هایی چون خندیدن، گریه کردن، نگاه کردن و شیوه‌های آن در ارتباط کلامی ساوجی را در برمی‌گیرد و این نتایج نشان می‌دهد اهمیت و کارکرد ارتباطات غیرکلامی در مثنوی جمشید و خورشید کمتر از اهمیت و کارکرد ارتباطات زبانی نیست و این دو ساحت ارتباطی دو وجه جدایی‌ناپذیر در انتقال معنا، مفاهیم و عواطف شخصیت‌ها به شمار می‌روند.

یادداشت‌ها

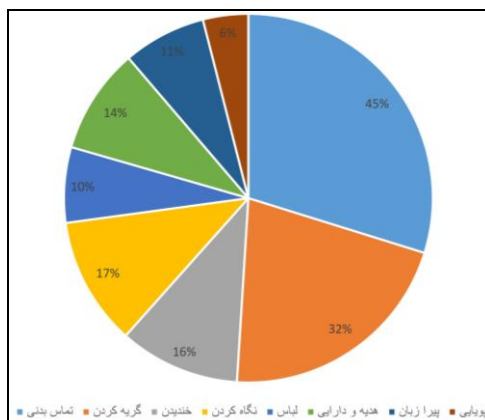
در این قسمت ما به ابیاتی که در آن ارتباطات کلامی براساس نمودار نشان داده شده است می‌پردازیم:

تماس‌های بدنی: ۴۰۸-۴۷۵-۴۸۱-۵۱۶-۵۳۰-۹۶۳-۹۶۴-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۱۰-۱۰۳۱-۱۰۵۸-۱۰۶۷-۱۰۸۶-۱۱۴۶-۱۱۵۶-۱۲۴۰-۱۳۲۵-

۱۵۷۶-۱۰۷۰۶-۱۷۰۷-۱۸۹۱-۲۰۰۱-۲۲۴۰-۲۲۶۷-۲۷۸۰
 گریه: ۲۹۲-۳۶۱-۳۸۲-۳۹۰-۴۰۶-۵۵۹-۵۸۶-۵۹۸-۶۰۱-۶۰۲-۸۸۸-۸۹۴-۹۵۳-۱۱۰۶-۱۱۲۳-۱۱۷۶-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۹-۲۲۶۲-
 نگاه کردن: ۴۸۵-۴۸۸-۵۹۸-۶۶۰-۱۲۸۶-۱۵۱۳-۱۵۱۵-۱۵۲۰-۱۵۲۳-۱۷۲۰-۱۷۵۶-۱۸۲۱-
 خندیدن: ۳۲۲-۴۹۹-۸۷۵-۱۳۰۲-۱۳۰۹-۱۶۹۸-۲۰۰۵-۲۰۱۹-۲۲۳۶-۲۷۱۴-
 هدایا و دارایی: ۴۹۷-۵۰۶-۵۷۲-۶۹۴-۱۰۵۷-۱۱۴۷-۱۲۱۵-۱۶۱۵-
 پیرازبان: ۵۴۶-۷۶۸-۱۵۹۹-۱۰۶۷-۱۳۴۸-۱۴۲۷-۱۶۷۸-
 لباس: ۲۴۵-۳۷۸-۶۸۷-۱۰۹۸-۱۲۶۸-۱۵۲۴-
 بویایی: ۲۶۷-۴۹۹-۹۹۸-۱۰۲۲-۱۲۲۶-



نمودار (۱) میزان استفاده کارکردهای زبان بدن در مثنوی جمشید و خورشید



نمودار (۲) درصد کارکردهای زبان بدن در مثنوی جمشید و خورشید

با توجه به بررسی تحلیل آماری ارتباط غیر کلامی در منظومه جمشید و خورشید باید گفت، تماس‌های بدنی که شامل لمس عاشقانه، صمیمی، تهاجمی و توصیف زیبایی معشوق چون زلف و لب و نگاه، بیشترین آمار را دارد و بر این اساس این منظومه به طور کامل غنایی است و به مانند دیگر آثار ادبی غنایی، گریه کردن که همان نشان از فراق و دوری است بیشتر از وصال و خنده و شادمانی به چشم می‌خورد. از دیگر وسایل ارتباط غیر کلامی چون نگاه کردن که اولین وسیله ارتباطی غیر کلامی است، بالاترین آمار و بعد از آن به ترتیب هدایا که نشان از عشق و دوستی، پیرازبان، لباس، بویایی است در این منظومه به کار می‌رود.

منابع

- آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برکو، روی، ام و همکاران، ۱۳۷۸، مدیریت ارتباطات: فردی و عمومی، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
- بهاری، شهریار، ۱۳۷۲، انسان‌شناسی نظری و علمی، تهران: درسا.

- بی‌نیاز، فتح الله، ۱۳۸۷، درآمدی برداستان‌نویسی و روایت‌شناسی، با اشاره‌ای موجز به آسیب‌شناسی رمان و داستان کوتاه در ایران، تهران: فراز.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۶، «ارتباطات غیر کلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی»، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، سال ۳، شماره ۲، ۱۵-۳۳.
- روزبه، محمدرضا، ۱۳۸۱، *ادبیات کلاسیک ایران*، تهران: روزگار.
- ریچموند، ویرجینیایی، ۱۳۷۸، *رفتار غیر کلامی در روابط میان فردی*، ترجمه فاطمه سادات مولوی، تهران: قطره.
- زرقانی، سید مهدی، ۱۳۸۸، *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی*، تهران: سخن.
- زنگنه، سعید، ۱۳۷۸، *زبان بدن*، تهران: جانان.
- ساوجی، سلمان، ۱۳۸۹، *کلیات*، مصحح عباسعلی وفایی، چاپ اول، تهران: سخن.
- -----، ۱۳۴۸، *مثنوی جمشید و خورشید*، مصحح فریدون وهمن، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین، ۱۳۷۸، *کلیات سعدی* (نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی)، تهران: دهستان.
- سوسور، فردینان دو، ۱۳۷۸، *دوره زبان‌شناسی همگانی*، ترجمه کورش صفوی، تهران: هرمس.
- سید جوادین، سید رضا، ۱۳۸۳، *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران: دانش.
- صلیبی، ژانست، ۱۳۹۰، «تحلیلی بر سهم ارتباطات غیر کلامی در کنش متقابل اجتماعی»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال ۲، ۱۰۱-۱۱۹.
- فرهنگی، علی اکبر، ۱۳۷۵، *ارتباط غیر کلامی*، میبد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- -----، ۱۳۷۸، *ارتباطات انسانی*، جلد ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مایرز، گیل و میشله مایرز، ۱۳۸۳، *پویایی ارتباطات انسانی*، ترجمه حوا صابر آملی، تهران: دانشکده صدا و سیما.
- محسنیان راد، مهدی، ۱۳۶۹، *ارتباط‌شناسی*، تهران: سروش.
- مرجان، مایکل آرژیل، ۱۳۷۸، *روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن*، ترجمه فرجی، چاپ اول، تهران: مهتاب.
- میر هاشمی، سید مرتضی، ۱۳۹۰، *نظریه‌های غنایی منظوم*، تهران: چشمه.
- وود، جولیتی، ۱۳۷۹، *ارتباطات میان فردی: روانشناسی تعامل اجتماعی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: مهتاب.
- هارجی، اون و همکاران، ۱۳۸۶، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: رشد.
- لوئیس، دیوید، ۱۳۸۰، *زبان بدن راز موفقیت*، ترجمه جالینوس کرمی، مشهد: مهر جالینوس.

References

- Albert Mehrabian , “ **Communication Without Words** , “ psychology today (sept . 1968): 52-55.
- Korte, Barbara (1997). **Boby Language in Literature**. University if Toronto Press.
- yol.Sussman –COMEX (THE COMMUNICATION XPERIENCE IN HUN RELATIONS) , 1985 South – western publishing.